

نقد کتاب توسعه اقتصادی

سیدحسین میرجلیلی*

چکیده

این کتاب به تحلیل اقتصادهای در حال توسعه آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اروپای شرقی و مرکزی که حدود ۸۵ درصد جمعیت جهان است، می پردازد. متن، مساله مند است و مسایل کشورهای در حال توسعه را در قالب سوال در نوزده فصل مطرح کرده و بدانها پاسخ داده است. محتوای اثر، عمده سرفصلهای درس توسعه اقتصادی را پوشش می دهد. نظم منطقی و انسجام درونی در بخشها و فصول مختلف کتاب، وجود دارد. این اثر با کتاب توسعه تودارو مقایسه شده و مزایای آن مطرح شده است. گزارش کمیسیون رشد و توسعه، آسیب شناسی رشد، اقتصاد توسعه رفتاری، روش روایت های تحلیلی و روش تجربه کنترل شده، از مباحث جدید توسعه اقتصادی است که در کتاب توسعه اقتصادی نافزیگر بحث نشده است. روش نقد متن، روش تحلیلی- تطبیقی است. بدین صورت که محتوای فصول متن با متون مشابه شناخته شده، مقایسه از جهت روزآمدی محتوا، نقد شده و موضوعات جدید مورد بحث در متون جدید توسعه اقتصادی، معرفی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، نظریه‌های توسعه، سیاست‌های توسعه، اقتصاد توسعه، نافزیگر .

۱. مقدمه

این کتاب به طور عمده به تحلیل اقتصادهای در حال توسعه آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین می پردازد. این مقاله به ارزیابی شکلی و محتوایی اثر می پردازد. سازماندهی مقاله به صورت زیر است. پس از مقدمه به توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن می پردازند. سپس تحلیل و ارزیابی محتوای فصول اثر ارایه می شود. بخش بعدی اختصاص به

* دانشیار اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. h.jalili@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۹

ارزیابی انتقادی از نظریه های توسعه اقتصادی فصل پنجم کتاب دارد. پس از آن به معرفی مباحث جدید توسعه اقتصادی می پردازد که کتاب از آرایه و تحلیل آنها غفلت کرده است. سرانجام نتیجه گیری، آخرین بخش مقاله را تشکیل می دهد.

۲. معرفی و توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن

مؤلف اثر، ای.وین نافزیگر (۲۰۱۶-۱۹۳۸) استاد تمام اقتصاد دانشگاه کانزاس آمریکا و مؤلف کتب و مقالات متعدد در توسعه اقتصادی، از جمله مقاله "نقد اقتصاد توسعه در ایالات متحد آمریکا" (۱۹۷۶) (۱)، نظریه توسعه: چهار مطالعه انتقادی" (۱۹۷۹) (۲)، کتاب "فقر و ثروت: مقایسه توسعه آفریقا و آسیا" (۱۹۹۴) (۳)، کتاب "یادگرفتن از ژاپنی ها: توسعه قبل از جنگ ژاپن و جهان سوم" (۱۹۹۵) (۴)، مقاله "میچی ژاپن به عنوان یک الگو برای توسعه اقتصادی آفریقا" (۲۰۰۵) (۵)، مقاله "معنای توسعه اقتصادی از سیرز تا سن" (۲۰۰۷) (۶)، مقاله "کارآفرینی و توسعه" (۲۰۰۸) (۷) و کتاب توسعه اقتصادی (ویرایش پنجم-۲۰۱۲) است.

طرح جلد شامل تصویر یک ساختمان بلند است که در بالای آن درختان روئیده است و نمایانگر رشد و توسعه و رویش است. صحافی، قطع کتاب، نوع و اندازه قلم و صفحه آرایی، مناسب است. ویرایش ادبی از قبیل علائم سجاوندی، رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی در اثر رعایت شده است. ویراستار فنی ترجمه کتاب، آقای کاظم فرهادی است که علاوه بر ویرایش فنی، زیرنویس هایی توضیحی بر کتاب افزوده است. اصول علمی ارجاع دهی در درون متن و کتاب نامه، رعایت شده است. تنها چند اشتباه تایپی وجود دارد. ص ۷۵: مشاور اقتصادی با بانک جهانی (با اضافی است) و ص ۱۰۲ گسترش (گسترش). کتاب دارای واژه نامه انگلیسی - فارسی، نمایه موضوعی، نمایه نام ها و کتابنامه تفصیلی است.

اصطلاحات و سوالات برای بحث و راهنمایی برای مطالب خواندنی در پایان هر فصل ارائه شده است. این کتاب به عنوان متن درسی برای دانشجویان درس اقتصاد توسعه تالیف شده است. مؤلف در این کتاب به تحلیل اقتصادهای در حال توسعه آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اروپای شرقی - مرکزی که حدود ۸۵ درصد جمعیت جهان است، می پردازد. تاکید اصلی کتاب بر آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. به جای تمرکز بر مدل های انتزاعی رشد، بر مسائل جهان واقعی کشورهای در حال توسعه تمرکز شده است. کتاب ترجمه شده از ششمین ویرایش کتاب توسعه اقتصادی است که توسط انتشارات دانشگاه کمبریج در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است. خلاصه ده فصل از ویرایش چهارم کتاب (۲۰۰۵)، توسط دکتر محمد رضا منجذب نیز ترجمه شده و توسط نشر آسیم در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است. (۸)

۳. محتوای اثر و تحلیل آن

محتوای اثر متناسب با اهداف درس توسعه اقتصادی است و بسیاری از سرفصلهای مصوب این درس را پوشش می دهد. بیان ساده و سلیس مطالب، متناسب با سطح علمی دانشجویان درس توسعه اقتصادی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد است. کتاب از تمرین، نمودار و جدول برای تفهیم بهتر مطالب، استفاده کرده است. کتاب، مساله مند است و محور آن تحلیل مسائل کشورهای در حال توسعه و پیشرفت، مانند ایران است. از این رو به نیازهای علمی و کاربردی کشور در زمینه شناسایی مسائل مربوط به پیشرفت کشور تا حد زیادی پاسخ می دهد. نظم منطقی و انسجام درونی، در بخشها و فصول مختلف کتاب، وجود دارد. با توجه به مبانی و پیش فرض های علمی و پژوهشی در متون توسعه اقتصادی، تحلیل ها و تبیین های ارائه شده در اثر، از استحکام نسبی برخوردار است.

کتاب در پنج بخش تنظیم شده است. در بخش اول، مباحث نظری ارائه شده است. در بخش دوم، به واقعیت هایی مانند فقر، سوء تغذیه و نابرابری درآمد می پردازد. در بخش سوم، مولف بر عوامل رشد اقتصادی متمرکز می شود. بخش چهارم کتاب به ابعاد کلان و بین الملل توسعه اقتصادی پرداخته است. در بخش پنجم، مولف به ارائه پنج استراتژی توسعه اقتصادی می پردازد. در نظر مولف، در حالی که اصلاحات اقتصادی و انتقال به اقتصاد بازار، استراتژی کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق و چین بوده است، سیاستهای تعدیل و تثبیت اقتصادی، راهبرد توسعه اقتصادی در سایر مناطق جهان بوده است. مولف کتاب توسعه اقتصادی، پرسش های مرتبط با وضعیت کشورهای توسعه نیافته را در قالب سوال در نوزده فصل مطرح کرده و بدانها پاسخ داده است.

سوال فصل اول این است که دو سوم مردم دنیا که فقیرترین اند، چگونه و در کجا زندگی می کنند؟ پاسخ فصل اول این است که دو سوم مردم جهان که از همه فقیرترند، تغذیه و مسکن مناسب ندارند، وضعیت بهداشتی آنان نامطلوب است و اغلب آنها از سواد نیز محروم اند. اکثریت قاطعی از فقیران در جنوب صحرای آفریقا، جنوب و شرق آسیا سکونت دارند.

در فصل دوم این پرسش مطرح شده است که معنای رشد و توسعه اقتصادی چیست که کشورهای توسعه نیافته، بدنبال دستیابی به آن هستند؟ پاسخ مولف این است که رشد اقتصادی، افزایش تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه کشور است و توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی همراه با تغییر در توزیع تولید ملی و ساختار اقتصادی است. این تغییرات می تواند شامل بهبود وضعیت فقرا، افزایش تحصیلات و مهارت نیروی کار و پیشرفت

فنی قابل توجه باشد که از درون کشور نشات می‌گیرد. وقتی مطالعه توسعه اقتصادی از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد. کشورهای با درآمد بالا، کشورهای توسعه یافته یا شمال، نامیده شدند و کشورهای دارای درآمد متوسط و پایین، کشورهای در حال توسعه، کم‌تر توسعه یافته یا جنوب نامیده شدند.

فصل سوم به این پرسش پاسخ می‌دهد که عملکرد رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، از اواسط قرن نوزدهم به بعد چگونه بوده است؟ پاسخ فصل سوم این است که رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه از جنگ جهانی دوم به بعد، سریع‌تر از قبل از جنگ بوده است. با این حال، رشد بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای کمتر توسعه یافته، سریع‌تر از رشد کشورهای توسعه یافته نبوده است. از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۲، تقریباً نیمی از جمعیت کشورهای کم‌تر توسعه یافته در کشورهای زندگی می‌کردند که با نرخ سالانه ۳ درصد یا بیش‌تر رشد داشتند، اما یک چهارم این جمعیت، سالانه بیش از ۱ درصد رشد اقتصادی نداشت. از سال ۱۹۸۰ به بعد، شرق آسیا سریع‌ترین، و جنوب صحرای آفریقا، کندترین رشد را در میان مناطق جهان داشته‌اند که به تنزل وضعیت بهداشت، تغذیه و دیگر نیازهای اساسی برای اکثر مردم منجر شده است. در یک و نیم قرن گذشته، رشد پایدار اقتصادی عمدتاً در کشورهای غربی و ژاپن رخ داد. در این دوره، میزان رشد اقتصادی اکثر این کشورها سالانه بیش از ۱/۵ درصد بود. به این ترتیب، شکاف کشورهای غربی و ژاپن با کشورهای کم‌تر توسعه یافته آفریقایی و آسیایی، به شدت افزایش یافت. از نظر مولف کتاب، کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به توسعه اقتصادی می‌توانند از تجربه ژاپن بیاموزند. (نافزیگر، ۱۹۹۵ صص ۳-۱۱۸ و نافزیگر، ۲۰۰۵، صص ۴۴۳-۴۶۴)

فصل چهارم در باره این پرسش است که ویژگی‌ها و نهادهای اصلی کشورهای در حال توسعه کدامند؟ پاسخ فصل چهارم این است که اگرچه کشورهای در حال توسعه، گوناگون‌اند، ولی ویژگی‌های مشترکی دارند. کشورهای کم‌درآمد، درصد بالایی تولید و نیروی کار کشاورزی، میزان پایین پس‌انداز و فن‌آوری، رشد نسبتاً سریع جمعیت، سواد و مهارت نسبتاً اندک، و نهادهای توسعه نیافته‌ای دارند. در تعدادی از این کشورها، رانت جویی گسترده برای کسب منفعت از منابع دولتی وجود دارد. با این حال، کشورهای در حال توسعه، در نیم قرن گذشته، عموماً درآمدهای واقعی را افزایش داده‌اند و از میزان فقر کاسته‌اند، امید به زندگی را بالا برده‌اند، و مرگ و میر نوزادان را کاهش داده‌اند و سطح سواد و دسترسی به امکانات آموزشی را ارتقاء بخشیده‌اند. در فصل پنجم، مولف به معرفی و نقد نظریه‌های توسعه اقتصادی می‌پردازد. در جدول شماره (۱) خلاصه نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی و نقد آن‌ارایه شده است.

نقد: جدول (۱): نظریه های رشد و توسعه اقتصادی و نقد آن

شماره	نظریه	نظریه پرداز	نقد
۱	کلاسیک: رکود اقتصادی و بدبینی به امکان رشد اقتصادی پایدار بدلیل بازدهی نزولی	ریکاردو	ریکاردو تاثیر پیشرفت فنی در جبران بازدهی نزولی را در نظر نگرفت.
۲	ماتریالیسم تاریخی	مارکس	رشد منافع کارگران با اصلاحات نظام سرمایه داری و منتفی شدن انقلاب سوسیالیستی در کشورهای سرمایه داری
۳	پنج مرحله رشد اقتصادی (جامعه سنتی، پیش شرط ها برای خیز، خیز، حرکت به سوی بلوغ، مصرف انبوه)	روستو	شرایط برای خیز با داده های تجربی در تضاد است. رشد سرمایه گذاری در بریتانیا، آلمان و ژاپن، به صورت مداوم است نه خیز ناگهانی. مشخصه های مراحل رشد روستو، اغلب، منحصر به آن مرحله نیست. رشد خودپایا بعد از خیز، چگونه توضیح داده می شود.
۴	دور باطل فقر Vicious circle theory	-	پس انداز دولتی، سود شرکتهای دولتی، موجودی صندوق های تامین اجتماعی و بازنشستگی می تواند سرمایه گذاری شود. مخارج نظامی کشورهای توسعه نیافته می تواند برای توسعه استفاده شود، بازار محصولات که کم درآمدها مصرف می کنند، گسترده است و صرفه جوییهای دیگر، مهمتر از صرفه جویی ناشی از مقیاس بازار است.
۵	رشد متوازن (سرمایه گذاری همزمان در همه بخشهای صنعتی عمده برای فشار بزرگ)	نورکس، روزنشتاین رودن	شواهد گسترده مربوط به رشد کشورهای کمتر توسعه یافته بدون سرمایه گذاری بزرگ در بخشهای صنعتی، فقدان منابع لازم برای سرمایه گذاری عظیم
۶	رشد نامتوازن (سرمایه گذاری در صنایعی که بیشترین پیوند پسین و	هیرشمن	سرمایه گذاری در کشاورزی لحاظ نشده است که دارای پیوند با سایر بخش ها است.

		پیشین دارند)	
۷	نظریه واشر توسعه: ناکامی در هماهنگی (انفجار شاتل فضایی چلنجر بدلیل عمل نکردن یک واشر حلقوی (O-ring theory)	مایکل کرمر -	
۸	نظریه رشد اقتصادی با انتقال نیروی کار کشاورزی به صنعت و افزایش اندازه بخش صنعت و انباشت سرمایه	آرتور لویس، فی، گوستاو رانیس	با مهاجرت کارگران کشاورزی، محصول میان تعداد کمتری تقسیم می شود و لذا دستمزد کشاورزی بالا می رود. افزایش نیروی کار صنعتی، تقاضا و قیمت مواد غذایی را بالا می برد. تحقق رشد صنعتی با دسترسی به کارگر مهاجر روستایی، محل تردید است. افزایش دستمزد صنعتی، قیمت مواد غذایی را بالا می برد. در ژاپن، بر خلاف نظر لویس، فی و رانیس، قبل از آنکه کل مازاد کارگر روستایی جذب شود، نرخ دستمزد سرمایه ای افزایش یافت.
۹	نظریه نئومارکسیستی	پل باران	در بررسی کش مکش منافع اقتصادی و سیاسی، ناکام است.
۱۰	نظریه وابستگی (توسعه نیافتگی بدلیل وابستگی به کشورهای توسعه یافته است).	فورتادو، فرانک	قطع پیوند اقتصادی با اقتصادهای توسعه یافته می تواند مانع توسعه شود. کشورهای توسعه یافته نیز به اقتصادهای دیگر وابسته اند.
۱۱	نظریه نئوکلاسیک	نظریه پردازان اجماع واشنگتنی و تعدیل اقتصادی	کاهش مخارج دولت، اقتصاد را دچار رکود می کند. تعدیل اقتصادی بدون شبکه ایمنی، به اقشار آسیب پذیر لطمه می زند.
۱۲	رشد درون زا	پل رومر	چگونگی تاثیرگذاری مشوق ها و نهادها بر رشد اقتصادی بحث نشده است.

ماخذ: ای. واین نافزیگر، (۱۳۹۵)، "توسعه اقتصادی ۱۸۰-۲۲۲"

فصل ششم به این پرسش پرداخته است که آیا رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، فقر و نابرابری را کاهش داده است؟ پاسخ فصل ششم این است که فقر، چند بُعدی است و نه تنها به درآمد، بلکه به گرسنگی، بی سوادگی، بهداشت ضعیف و تاسیسات زیر بنایی ناکافی، مربوط است. در نیم قرن گذشته، نابرابری افزایش یافته و موجب کاهش سطح بهداشت و افزایش نابرابری آموزشی شده است. رشد فقرزدا در برخی کشورهای در حال توسعه، موفق و در برخی دیگر ناموفق بوده است. برخی سیاست های به کار گرفته شده برای رشد فقرزدا در کشورهای در حال توسعه عبارتند از: اعطای اعتبار به فقرا، آموزش ابتدایی فراگیر، برنامه های ایجاد شغل، طرح های توسعه روستایی، مالیات تصاعدی بر درآمد، یارانه غذا، برنامه های بهداشتی و ایجاد شبکه های ایمنی برای حمایت از فقرا.

فصل هفتم به این پرسش می پردازد که چگونه می توان فقر روستایی در کشورهای کم درآمد را کاهش داد؟ پاسخ فصل هفتم این است که در حدود ۵۰۰ میلیون فقیر، در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. فقر روستایی به علت میانگین پایین تر درآمدها در مناطق روستایی است. بخش عمده فقر روستایی، در میان کارگران کشاورزی بی زمین وجود دارد. دو سوم جمعیت روستایی جنوب صحرای آفریقا و بیش از نیمی از جمعیت روستایی امریکای لاتین، در فقر به سر می برند. سیاست هایی که کشورهای در حال توسعه برای کاهش فقر روستایی به کار برده اند عبارتند از: اصلاحات ارضی و توزیع مجدد زمین، توسعه تجهیزات سرمایه ای کاربر، تاسیس موسسه های اعتباری روستایی، تاسیس مراکز پژوهش زراعی برای افزایش محصول و توسعه فن آوری برای کشاورزان کوچک، بهبود نظام آبیاری، به موقع در اختیار زارعان گذاشتن نهاده های کشاورزی توسط وزارتخانه های دولتی، ایجاد صنایع زراعی، و دیگر صنایع کوچک در مناطق روستایی؛ سرمایه گذاری در بازاریابی، حمل و نقل، و امکانات ذخیره سازی برای کالاهای کشاورزی و اصلاح قیمت های نسبی محصولات کشاورزی.

فصل هشتم به این پرسش می پردازد که رشد جمعیت چه تاثیری بر توسعه اقتصادی دارد؟ پاسخ فصل هشتم این است که کشورهای در حال توسعه توانستند با پیشرفت در تولید مواد غذایی و آفت کش های جدید، پیشرفت حمل و نقل و ارتباطات، بهبود تغذیه، بهداشت شخصی بهتر، نوآوری های پزشکی، و واکسیناسیون، از رشد جمعیت

بهره مند شوند. این دیدگاه وجود دارد که رشد جمعیت موجب برانگیختن فن آوری، تقسیم کار، و رشد اقتصادی می شود.

فصل نهم به این پرسش می پردازد که چرا در کشورهای کم تر توسعه یافته، میزان بیکاری، زیاد است؟ پاسخ فصل نهم این است که در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار سریع تر از فرصت های شغلی، رشد می کند، بنابراین بیکاری افزایش می یابد. با توجه به اینکه فرصت اشتغال کشاورزی محدود است، بخش صنعت باید رشد کند تا نیروی کار اضافی را جذب کند. مهاجرت از روستا به شهر تقریباً به اندازه رشد جمعیت، در رشد سریع نیروی کار شهری در کشورهای در حال توسعه تاثیر می گذارد. علاوه بر آن، فن آوری وارداتی از کشورهای توسعه یافته که وفور نسبی سرمایه دارند، برای کشورهای در حال توسعه با وفور کارگر، سبب افزایش بیکاری می شود.

فصل دهم به این پرسش می پردازد که در کشورهای در حال توسعه، چه عواملی در مهارت های کاری موثر است؟ پاسخ فصل دهم این است که در کشورهای در حال توسعه، یادگیری حین اشتغال و آموزش در نهادهای حرفه ای یا فنی، باعث ایجاد مهارت کاری می شود.

فصل یازدهم به این پرسش می پردازد که برای تخصیص سرمایه میان طرح های بدیل، از چه ضوابطی باید سود جست؟ رایانه ها و فن آوری اطلاعات در توسعه اقتصادی چقدر اهمیت دارند؟ پاسخ فصل یازدهم این است که تحلیل منفعت - هزینه اجتماعی، آن طرح های سرمایه گذاری را برمی گزیند که منافع خالص اجتماعی تنزیل شده به ازای هر واحد سرمایه سرمایه گذاری شده را به حداکثر برساند. نرخ تنزیل باید آن قدر بالا تعیین شود که سرمایه گذاری را با پس اندازها و واردات سرمایه برابر سازد. فن آوری اطلاعات و ارتباطات بعد از آنکه در تولید ادغام شد، تاثیر چشم گیر بر محصول ناخالص داخلی دارد و به سازمان کار شکل تازه ای می بخشد. فن آوری اطلاعات و ارتباطات، به خصوص تلفن همراه، بر بهبود زندگی افراد فقیر در کشورهای کم تر توسعه یافته تاثیر گذاشته است.

فصل دوازدهم به این پرسش می پردازد که چه عواملی در کامیابی کارآفرینان در کشورهای در حال توسعه موثرند؟ پاسخ فصل دوازدهم این است که در جوامعی که کودکان شان به گونه ای تربیت و تشویق می شوند که دست به ابتکار بزنند و متکی به خود باشند، کارآفرینان بیش تری به وجود می آیند. تحصیلات، با ایجاد مهارت های

لازم می تواند عرضه کارآفرین را افزایش دهد. جامعه نیازمند موفقیت، کارآفرینانی
پرتوان به وجود می آورد که رشد سریع اقتصادی را سبب می شوند.

فصل سیزدهم به این پرسش می پردازد که آیا رشد اقتصادی، پایدار است؟ پاسخ فصل
سیزدهم این است که مقصود از توسعه پایدار، حفظ بهره وری دارایی های طبیعی،
تولیدی، و انسانی از نسلی به نسل دیگر است. اما برای اینکه رشد، پایدار باشد، ضابطه
های سرمایه گذاری مرسوم برای در نظر گرفتن نیازهای مصرفی نسل های آینده کافی
نیست. مصرف بیش از حد منابعی که آزادانه در دسترس اند، تولید کم تر از حد
کالاهاى عمومی، جبران ناپذیری پدیده های نادر طبیعت، حقوق مبهم مالک و مصرف
کننده نسبت به دارایی، و هزینه معاملات زیاد، نقص های بازارند که در تخریب زیست
محیطی و رشد پایدار موثرند. در صورت تداوم انتشار دی اکسید کربن، زمین گرم تر
خواهد شد و کشورهای در حال توسعه، کشورهای عمده متضرر از گرم شدن زمین
هستند. سیاست های مربوط به کاهش یا مبارزه با گرم شدن زمین، برای رشد پایدار،
لازم است.

فصل چهاردهم به این پرسش می پردازد که کشورها برای رسیدن به توسعه همراه با
ثبات قیمت ها، باید چه سیاست های پولی و مالی را اتخاذ کنند؟ پاسخ فصل
چهاردهم این است که بانک های مرکزی در کشورهای در حال توسعه، عموماً کم تر از
کشورهای توسعه یافته، بر مخارج و محصول اثر می گذارند. مالیات بر صادرات،
واردات، و مالیات های غیرمستقیم، منابع عمده درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال
توسعه است. تعدادی از کشورهای در حال توسعه، مالیات بر ارزش افزوده اخذ می
کنند. کشورهای در حال توسعه نمی توانند از سیاست مالی برای تثبیت درآمد و قیمت
ها آن چنان که کشورهای توسعه یافته می توانند، به نحو موثر استفاده کنند. دولت های
کشورهای در حال توسعه، کنترل کم تری بر مبالغ مالیات ها و مجال کم تری برای
سرعت دادن یا به تاخیر انداختن مخارج دارند. درصد نسبتاً کوچکی از مخارج دولتی
در کشورهای در حال توسعه، صرف بهداشت، تامین اجتماعی، و رفاه، و درصد نسبتاً
بالایی صرف تاسیسات زیربنایی می شود.

فصل پانزدهم به این پرسش می پردازد که کشورهای در حال توسعه چگونه می توانند
بر صادرات بیفزایند و از واردات بکاهند؟ پاسخ فصل پانزدهم آن است که کشورهای
کم تر توسعه یافته به ترکیب زیرکانه سرمایه گذاری مشترک با شرکت چندملیتی،
اعطای امتیاز، و انتقال فن آوری نیاز دارند. سرمایه از کشورهای غنی به کشورهای فقیر

جریان نمی‌یابد؟ زیرا بازار سرمایه کشورهای در حال توسعه، ناقص و اغلب در معرض مخاطرات است.

فصل شانزدهم به این پرسش می‌پردازد که چه سیاست‌هایی می‌توانند از بدهی بین‌المللی و بحران مالی در کشورهای در حال توسعه بکاهند؟ پاسخ فصل شانزدهم این است که بحران مالی و بدهی، ناشی از شوک و بی‌ثباتی جهانی، کاهش کمک رسمی و وام تجاری، ناکارآمدی و مدیریت ضعیف اقتصادی، پول داخلی بیش از حد ارزش‌گذاری شده، و فرار سرمایه است. سیاست‌هایی مانند نرخ تعادلی ارز، اصلاحات مالی، افزایش کارایی موسسات اقتصادی دولتی، می‌تواند وقوع بحران مالی را کاهش دهد.

فصل هفدهم به این پرسش می‌پردازد که کشورهای در حال توسعه باید از چه راهبرد های تجاری استفاده کنند؟ پاسخ فصل هفدهم این است که رابطه مبادله صادرات محصولات اولیه کشورهای در حال توسعه به شدت کاهش یافته است. برای گسترش محصول و کاهش بیکاری، توسعه صادرات عموماً موثرتر از جایگزینی واردات است. کشورهای در حال توسعه می‌توانند با کاهش ارزش پول خود، واردات را کاهش دهند، جایگزینی واردات را تشویق کنند، و صادرات را توسعه دهند. ادغام اقتصادی منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه نیز باعث رشد اقتصادی آنها می‌شود.

فصل هیجدهم به این پرسش می‌پردازد که آزادسازی، اصلاحات اقتصادی و گذار در اروپای شرقی، شوروی سابق و چین چگونه پیش رفت؟ پاسخ فصل هیجدهم این است که کشورهای در حال توسعه نباید مسیر روسیه و چین به سوی اصلاحات را دنبال کنند، اگرچه می‌توانند از روسیه و چین درس‌ها بیاموزند. هر کشور رو به توسعه باید راه خود را به سوی توسعه بیابد.

فصل نوزدهم به این پرسش می‌پردازد که آیا برداشتن کنترل بر قیمت‌ها و نرخ ارز، آزادسازی مالی، مقررات زدایی، و خصوصی‌سازی، موجب بهبود عملکرد کشور در حال توسعه می‌شود؟ پاسخ فصل نوزدهم این است که در عمل، کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، نیازمند تعدیل و اصلاح هستند. صندوق بین‌المللی پول تنها بر تقاضا تمرکز دارد و ظرفیت مولد و تغییر ساختار درازمدت را نادیده می‌گیرد. نتایج برنامه‌های تعدیل اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از طریق رفع کنترل قیمت‌ها و آزادسازی و خصوصی‌سازی، در موارد متعدد ناموفق بوده و مورد نقد است.

۴. مقایسه با محتوای توسعه اقتصادی تودارو

هر دو اثر با عنوان توسعه اقتصادی در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است. اثر نافزیگر، ویرایش پنجم و اثر تودارو، ویرایش دوازدهم است. توسعه تودارو در سه بخش ارایه شده است ولی توسعه نافزیگر در پنج بخش ارایه گردیده است. بخش اول هر دو کتاب به معرفی اصول و مفاهیم توسعه اقتصادی اختصاص دارد. مزیت توسعه تودارو این است که در دو فصل سوم و چهارم به ارایه نظریه ها و مدل‌های توسعه پرداخته است و نظریه های جدیدی مانند شکست هماهنگی، خودکشفی و آسیب شناسی رشد را مطرح کرده است. علاوه بر آن در فصل اول به نقش مهم ارزش ها در اقتصاد توسعه و نیاز به فراتر رفتن از اقتصاد در تحلیل توسعه پرداخته است.

دو بخش باقیمانده توسعه تودارو به طرح مسایل و سیاستهای توسعه اقتصادی اختصاص دارد. بخش دوم به مسایل و سیاستهای داخلی و بخش سوم به مسایل و سیاستهای بین المللی و کلان توسعه اقتصادی پرداخته است. در حالی که توسعه نافزیگر، مسایل و سیاستهای داخلی توسعه را در دو بخش دوم و سوم، مطرح کرده است. مزیت توسعه نافزیگر آنست که فصل ۱۲ را به نقش کارآفرینی و نوآوری در توسعه اقتصادی اختصاص داده است، در حالیکه توسعه تودارو به این موضوع نپرداخته است. مزیت توسعه تودارو آنست که در فصل ۷، نظریه مهاجرت شهر-روستای خود را به خوبی تبیین کرده است. مزیت دیگر توسعه تودارو آنست که در فصل ۱۱ ابعاد مختلف طرح ریزی توسعه اقتصادی را بحث کرده است، در حالی که توسعه نافزیگر فاقد بحثی در باره طرح ریزی توسعه اقتصادی است. یک مزیت توسعه نافزیگر آنست که بخش سوم را با عنوان عوامل رشد مطرح کرده و شش موضوع در شش فصل بررسی شده است. بخش سوم توسعه تودارو به بررسی مسایل و سیاستهای بین المللی و کلان توسعه اختصاص دارد که تقریباً همان مباحث در بخش چهارم توسعه نافزیگر مطرح شده است. یک مزیت توسعه تودارو در این بخش این است که به نقش بانکداری توسعه ای پرداخته است، در حالی که توسعه نافزیگر بدان نپرداخته است. سرانجام یک مزیت توسعه نافزیگر آنست که بخش پنجم کتاب خود را به بحث در باره استراتژی های توسعه اختصاص داده است، در حالی که توسعه تودارو فاقد بحثی در زمینه استراتژی توسعه اقتصادی است. جدول (۲) به مقایسه محتوای این دو متن درسی توسعه اقتصادی می پردازد.

جدول (۲): مقایسه محتوای کتاب توسعه اقتصادی نافزیگر با توسعه اقتصادی تودارو

شماره	توسعه اقتصادی نافزیگر (۲۰۱۲)	توسعه اقتصادی تودارو (۲۰۱۲)
۱	<p>بخش اول: اصول و مفاهیم توسعه؛</p> <p>۱- چگونه دوسوم دیگر زندگی می‌کنند</p> <p>۲- توسعه اقتصادی چیست؟</p> <p>۳- توسعه اقتصادی در چشم انداز تاریخی</p> <p>۴- ویژگیها و نهادهای کشورهای درحال توسعه</p> <p>۵- نظریه های توسعه اقتصادی</p>	<p>بخش اول: اصول و مفاهیم توسعه؛</p> <p>۱- معرفی توسعه اقتصادی</p> <p>۲- توسعه اقتصادی تطبیقی، شاخص های توسعه، ویژگیهای کشورهای کمتر توسعه یافته</p> <p>۳- نظریه های کلاسیک رشد و توسعه اقتصادی</p> <p>۴- مدل‌های معاصر توسعه و توسعه نیافتگی</p>
۲	<p>بخش دوم: کاهش فقر و توزیع درآمد؛</p> <p>۶- فقر، سوء تغذیه و نابرابری درآمد</p> <p>۷- فقر روستایی و تحول کشاورزی</p>	<p>بخش دوم: مسایل و سیاستها: داخلی</p> <p>۵- فقر، نابرابری و توسعه</p> <p>۶- رشد جمعیت و توسعه اقتصادی: علل، پیامدها و مناقشه ها</p> <p>۷- شهرنشینی و مهاجرت روستا-شهر: نظریه و سیاست</p> <p>۸- سرمایه انسانی: آموزش و سلامت در توسعه اقتصادی</p> <p>۹- تحول کشاورزی و توسعه روستایی</p> <p>۱۰- محیط زیست و توسعه</p> <p>۱۱- سیاستگذاری توسعه و نقش بازار، دولت و جامعه مدنی</p>
۳	<p>بخش سوم: عوامل رشد؛</p> <p>۸- جمعیت و توسعه</p> <p>۹- اشتغال، مهاجرت و شهرنشینی</p> <p>۱۰- آموزش، سلامت و سرمایه انسانی</p> <p>۱۱- تشکیل سرمایه، انتخاب سرمایه گذاری، فناوری اطلاعات و پیشرفت فنی</p> <p>۱۲- کارآفرینی، سازمان و نوآوری</p> <p>۱۳- آیا رشد اقتصادی، پایدار است؟ منابع طبیعی و محیط زیست</p>	<p>بخش سوم: مسایل و سیاستها: کلان و بین الملل</p> <p>۱۲- نظریه تجارت بین الملل و استراتژی توسعه</p> <p>۱۳- موازنه پرداختها، بدهی، بحران های مالی و سیاستهای تثبیت</p> <p>۱۴- تامین خارجی، سرمایه گذاری و کمک: مناقشه ها و فرصتها</p> <p>۱۵- تامین مالی و سیاست مالی برای توسعه</p>
۴	<p>بخش چهارم: اقتصاد کلان و اقتصاد بین الملل توسعه؛</p> <p>۱۴- سیاستهای پولی، مالی و درآمدی و تورم</p>	-

	۱۵-موازنه پرداختها، کمک و سرمایه گذاری خارجی ۱۶-بدهی خارجی و سرمایه گذاری خارجی ۱۷-تجارت بین الملل	
-	بخش پنجم: استراتژی های توسعه؛ ۱۸-گذار به آزادسازی و اصلاحات اقتصادی:اروپای شرقی، شوروی سابق و چین ۱۹-تثبیت، تعدیل و اصلاحات	۵

۵.نقد روزآمدی محتوای اثر

با توجه به تاریخ انتشار کتاب توسعه اقتصادی، برخی مباحث جدید در اقتصاد توسعه در این کتاب مطرح نشده است. آلتمن (۲۰۱۱) موارد زیر را مباحث جدید در اقتصاد توسعه می داند. گزارش کمیسیون رشد و توسعه (۲۰۰۸)، آسیب شناسی رشد اقتصاد، اقتصاد توسعه رفتاری، روایت های تحلیلی در توسعه و تجربیات کنترل شده آزمایشگاهی در توسعه. (آلتمن، ۲۰۱۱، صص ۱۷۷-۱۹۴) در اینجا به معرفی این موارد می پردازیم.

۱-۵.گزارش کمیسیون رشد و توسعه

این کمیسیون بدنبال پیدا کردن پاسخ به این پرسش است که چگونه کشورهای در حال توسعه می توانند به رشد پایدار و فراگیر بالا برسند. کمیسیون، علل، پیامدها و پویایی های درونی رشد اقتصادی در ۱۳ اقتصاد در حال توسعه را بررسی کرده است که از سال ۱۹۵۰ میلادی تا کنون، نرخ های رشد هفت درصد و بالاتر در سال را برای ۲۵ سال یا بیشتر، به صورت مستمر تجربه کرده اند. در آن سرعت گسترش، اندازه اقتصاد تقریبا هر دهه، دو برابر می شود. سیزده اقتصاد که رشد بالا و مستمر را امکان پذیر ساختند عبارتند از: بوتسوانا، برزیل، چین، هنگ کنگ، اندونزی، ژاپن، کره، مالزی، مالتا، عمان، سنگاپور، تایوان و تایلند. باید توجه داشت که اقتصاد بوتسوانا، برزیل، اندونزی، مالزی، عمان و تایلند، دارای منابع غنی هستند. بنابراین تجربه این اقتصادها، شواهدی برای امکان پذیری رشد بالا در اقتصاد های مبتنی بر منابع است.

سوال اصلی که کمیسیون در مورد تجربه اقتصادهای موفق مطرح کرده این است که این اقتصادها چه اقداماتی انجام داده اند که منجر به رشد بالا و مستمر شده است؟ پاسخ اصلی که کمیسیون رشد و توسعه بدان دست یافت آن بود که همه این اقتصادها دارای استراتژی منسجم رشد اقتصادی بودند. پنج ویژگی مشترک سیزده اقتصاد با رشد مستمر بالای هفت درصد عبارتند از:

۱. بهره برداری کامل از ظرفیت (فناوری، دانش و رموز کار و تقاضای) اقتصاد جهانی

۲. حفظ ثبات اقتصاد کلان

۳. داشتن میزان بالای پس انداز و سرمایه گذاری

۴. به کارگیری مکانیسم بازار به عنوان تخصیص دهنده اصلی منابع

۵. داشتن دولت متعهد به رشد، معتبر نزد عموم و توانمند

استراتژی رشد سیزده اقتصاد با رشد بالا و مستمر، شامل سیاستهای اقتصادی زیربوده است: ۱- دولت کارآمد ۲. سطح بالای سرمایه گذاری ۳. انتقال دانش فن ۴. رقابت و تحول ساختاری ۵. بازار کار ۶. توسعه صادرات و سیاست صنعتی ۷. مدیریت صحیح نرخ ارز ۸- ورود سرمایه و تدریج در باز شدن بازارهای مالی ۹. ثبات اقتصاد کلان ۱۰. پشتیبانی پس انداز از سرمایه گذاری ۱۱. توسعه بخش مالی ۱۲. سرمایه گذاری روستایی و شهرنشینی ۱۳. برابری فرصتها ۱۴. توسعه منطقه ای ۱۵. مدیریت انرژی و محیط زیست. (۹)

۲-۵. آسیب شناسی رشد اقتصادی (۱۰)

شناسایی "محدودیت های دست و پا گیر" رشد، چارچوبی برای آسیب شناسی مهمترین موانع رشد اقتصادی خاص هر کشور است. (هاوسمن و همکاران، ۲۰۰۸) (۱۱)

چارچوب آسیب شناسی رشد توسط محققان دانشگاه هاروارد (هاوسمن، رودریک، ولاسکو، کلینگر، واگنر) در ۲۰۰۵، ۲۰۱۰، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ پیشنهاد شد. رویکرد آسیب شناسی رشد مبتنی بر این ایده است که عوامل متعددی وجود دارد که باعث می شود

یک اقتصاد رشد نکند. اصولاً در مورد یک اقتصاد دچار کم رشدی، قبل از تجویز کردن و نسخه پیچیدن، ابتدا باید آسیب شناسی کرد. (۱۲)

روش شناسی آسیب شناسی رشد، بر اساس مسیر درخت تصمیم، به شناسایی مهمترین تنگناهای رشد اقتصادی یک کشور می پردازد و الویت های استراتژی رشد یک کشور را شناسایی می کند که همانا هدف گرفتن رفع محدودیت های دست و پاگیر است، به جای آنکه به دنبال رفع فهرست طولانی تنگناها و محدودیت های رشد باشیم که عملاً به موانع سیاسی - اقتصادی و ساختاری برخورد می کند و متوقف می گردد. علاوه بر آن، محدودیت منابع مالی و انسانی یک کشور، حکم می کند که منابع محدود خود را صرف مواردی کنند که بیشترین تاثیر بر رشد داشته باشد. رفع محدودیتهای دست و پاگیر و تنگناهای رشد، چنین نقش چشمگیری بر رشد دارد. (۱۳)

آسیب شناسی رشد رویکردی در سیاست گذاری ارایه می کند که انعطاف پذیری بیشتری نسبت به " رویکرد بهترین رویه " (۱۴) اتخاذ شده توسط نسل دوم اقتصاددانان توسعه و رویکرد تجویز سیاستی بر اساس مقایسه بین کشوری کیفیت و عملکرد نهادهای یک کشور اتخاذ شده توسط نسل سوم دارد. رویکرد آسیب شناسی رشد می تواند به سیاست گذاران کمک کند تا اصلاحات شان را در زمینه هایی متمرکز کنند که در آن " محدودیت های دست و پاگیر " (۱۵) برای رشد اقتصادی وجود دارد. به عبارت دیگر بر روی تنها چند زمینه تمرکز شود که بیشترین تاثیر بر باز کردن قفل پتانسیل رشد یک کشور دارد.

آسیب شناسی رشد از طریق روش درخت تصمیم، به شناسایی محدودیت های دست و پا گیر مربوط به رشد یک کشور کمک می کند. نمودار (۱) طبقه بندی علل احتمالی سطوح پایین سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشور در حال توسعه را نشان می دهد که با پیروی از درخت تصمیم، مشکل احتمالی می تواند پی در پی دنبال شود تا زمانی که محدودیت های اصلی سرمایه گذاری بخش خصوصی شناسایی شود. فرایند درخت تصمیم گیری شروع می شود با پرسیدن این که چه چیزی سطح سرمایه گذاری بخش خصوصی را پایین نگه می دارد (بازده ناکافی به سرمایه گذاری یا دسترسی ناکافی به تامین مالی). اگر بدلیل بازدهی پایین است، سوال این است که آیا بدلیل سرمایه گذاری ناکافی در عوامل مکمل تولید (مانند سرمایه انسانی و زیرساخت) است یا به دلیل دسترسی ضعیف به فن آوری های وارد شده است. اگر علت آن، مشکل هزینه های

بالای تامین مالی باشد، محدودیت دست و پاگیر برای سطح پایین سرمایه گذاری بخش خصوصی باید در بازارهای مالی داخلی یا خارجی یافت شود. (هاوسمن و همکاران، ۲۰۰۸).

سطح پایین سرمایه گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی ناشی از دو علت است: بازدهی پایین فعالیت اقتصادی یا هزینه بالای تامین مالی.

الف- در صورتی که سطح پایین سرمایه گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی، ناشی از هزینه بالای تامین مالی باشد، آن نیز به نوبه خود ناشی از تامین مالی داخلی بد یا تامین مالی خارجی بد است. تامین مالی داخلی بد نیز ناشی از پس انداز داخلی ضعیف یا واسطه گری مالی ضعیف است.

ب- در صورتی که سطح پایین سرمایه گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی، ناشی از بازدهی پایین فعالیت اقتصادی باشد، بازدهی پایین فعالیت اقتصادی ناشی از بازدهی اجتماعی پایین یا قابلیت تملک پایین است. بازدهی اجتماعی پایین نیز ناشی از جغرافیای ضعیف، سرمایه انسانی پایین یا زیر ساخت بد است.

ج- در صورتی که بازدهی پایین فعالیت اقتصادی ناشی از قابلیت تملک پایین باشد، قابلیت تملک پایین ناشی از نارسایی دولت یا نارسایی بازار است. اگر قابلیت تملک پایین ناشی از نارسایی دولت باشد، آن هم به نوبه خود ناشی از ریسک های خرد یا ریسک های کلان است. اما اگر قابلیت تملک پایین ناشی از نارسایی بازار باشد، به خاطر اثرات جانبی ناشی از اطلاعات (خودکشفی) یا به خاطر اثرات جانبی هماهنگی است.

آسیب شناسی رشد به سیاستگذاران کمک می کند تا سیاست هایی را طراحی کنند که این سیاست ها، با در نظر گرفتن عوامل مرتبط همچون شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور، به رفع مهمترین محدودیت های دست و پا گیر می پردازد. آسیب شناسی رشد، ابزار مفیدی برای تهیه استراتژی رشد در کشورهای در حال توسعه است. این آسیب شناسی مبتنی بر اقتضائات و شرایط خاص کشور، به طراحی برنامه توسعه کمک می کند و الویت های اصلاحات اقتصادی را بر اساس تنگناهای رشد کشور مشخص می کند. مهمترین مزایای آسیب شناسی رشد عبارتند از:

الف- این روش، به سیاستگذاران رشد می گوید که همه محدودیتهای رشد، یکسان نیستند و نباید در انبوهی از محدودیتهای رشد، مستاصل شد که کدام یک برای

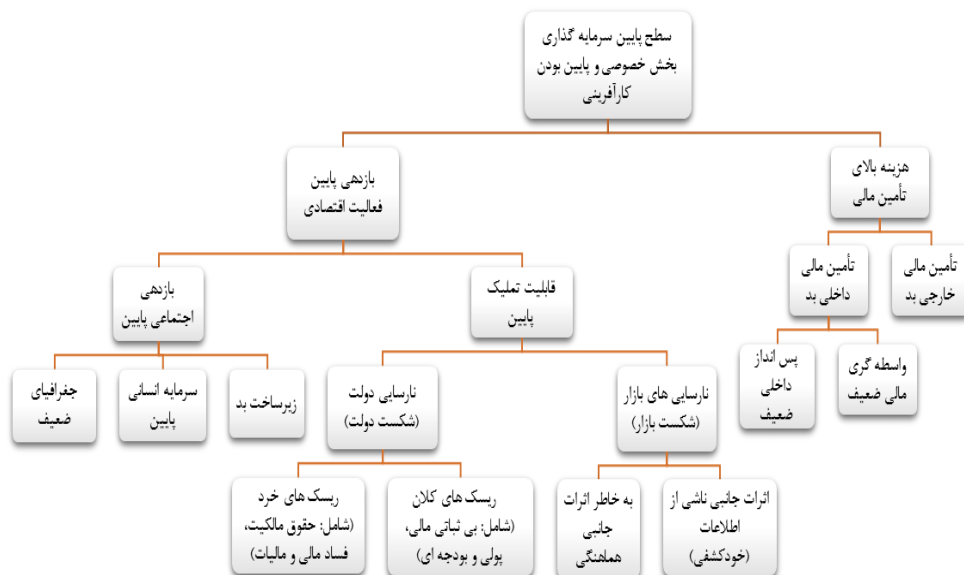
اصلاحات اولویت دارد. کافی است محدودیتهایی را برگزید که دست و پاگیر هستند و از طریق درخت تصمیم، آن‌ها را شناسایی کرد.

ب- به سیاستگذاران رشد کمک می‌کند تا راهکارهای لازم برای رفع محدودیت‌های دست و پاگیر را در سیاستهای خود در نظر بگیرند، به جای اینکه صرفاً به انباشت سرمایه، افزایش مهارت‌های انسانی و ارتقای بهره‌وری بپردازند و انتظار داشته باشند که رشد اقتصادی محقق شود.

ج- آسیب‌شناسی رشد، برای این پرسش مکرر کشورهای در حال توسعه که چرا به رغم انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، رشد بالا و مستمر، به دست نمی‌آید؟ پاسخ عملگرایانه‌ای می‌دهد. به جای اینکه مانند نظریه‌های مرسوم رشد بگوید که سرمایه فیزیکی و انسانی بیشتری انباشت کنید، می‌گوید که «گیرهای رشد» و «تنگناهای رشد» را شناسایی و رفع کنید، آنگاه پتانسیل رشد اقتصادی، آزاد می‌شود.

د- آسیب‌شناسی رشد بر اساس الگوی رشد درون‌زا است و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی را محرک اصلی افزایش رشد، و سطح پایین سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی را چالش اصلی رشد می‌داند. به همین دلیل سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را در بالای درخت تصمیم قرار می‌دهد. یعنی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را موتور رشد در کشورهای در حال توسعه می‌داند که با افزایش بازدهی و ایجاد سود برای آن، به وجود می‌آید.

و- آسیب‌شناسی رشد، اقتضائات رشد هر کشور را در نظر می‌گیرد. زیرا از بررسی کشوری شروع می‌کند و به دنبال یافتن تنگناهای رشد هر کشور است. از این رو آسیب‌شناسی و تجویز خاص، برای رشد هر کشور انجام می‌دهد. در حالی که رویکرد نظریات رشد، بدون شناسایی تنگناها، فرض می‌کند هیچ تنگنایی برای رشد اقتصادی وجود ندارد و روابط کلی و قیاسی برای به کارگیری عوامل موثر بر رشد ارائه می‌کند و آن را قابل کاربرد در تمام کشورها می‌داند. (میرجلیلی، ۱۳۹۵، صص ۲۵-۲۶)



نمودار(۱): روش آسیب‌شناسی رشد

۳-۵. اقتصاد توسعه رفتاری

اقتصاد توسعه رفتاری، کاربرد اقتصاد رفتاری در توسعه اقتصادی است. اقتصاد رفتاری برای اندازه‌گیری و سنجش از اقتصادسنجی استفاده نمی‌کند، بلکه از اقتصاد آزمایشگاهی استفاده می‌کند. اقتصاد رفتاری بررسی می‌کند که چرا فقرا فقیر مانده‌اند. تا قبل از مباحث اقتصاد رفتاری، اقتصاددانان توسعه، فقر را از دیدگاه مالی، درآمدی و محرومیت مادی بررسی می‌کردند، اما اقتصاد رفتاری درک اقتصاددانان را به فراتر از ابعاد مالی و درآمدی برد. اقتصاد رفتاری با ارائه بصیرت جدید در مورد توسعه باعث می‌شود سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوتی برای حل مسائل توسعه ارائه شود. (۱۶) بدین منظور اقتصاد رفتاری در ابتدا آسیب‌شناسی رفتار فقرا و مسائل روان‌شناختی را که منجر به فقر شده است را بررسی روانشناسی می‌کند و سپس برای حل آن رفتارها، راه‌حل ارائه می‌دهد. اقتصاد توسعه رفتاری، سیاست‌های متفاوتی برای توسعه پیشنهاد می‌کند که با سیاست‌های اقتصاددانان مرسوم تفاوت دارد. اقتصاددانان نمی‌دانند چرا برنامه‌های طراحی شده آنان به اجرا در نمی‌آید؟ یا چرا به‌طور ناقص اجرا می‌شود. اما اقتصاد رفتاری توضیح می‌دهد که چرا چنین اتفاقی می‌افتد و کمک می‌کند که چگونه برنامه را طراحی کنیم تا اجرا شود.

اقتصاد توسعه رفتاری در سه گام، بر طراحی برنامه‌های توسعه اثر می‌گذارد. اول، آسیب‌شناسی مسئله توسعه را تغییر می‌دهد. دوم، طراحی راه‌حل برای مسئله را تغییر می‌دهد. سوم، قلمرو مسئله توسعه را تغییر می‌دهد. مثال برای مورد اول، هنگامی که مشاهده می‌کنیم والدین، فرزندان خود را برای واکسیناسیون نمی‌برند، اقتصاد متعارف می‌گوید که دلیلش این است که والدین ارزش واکسیناسیون را نمی‌دانند. اما اقتصاد توسعه رفتاری می‌گوید خانوارها می‌خواهند کودک خود را واکسینه کنند و منافع آن را می‌دانند، اما نمی‌توانند آن را عملی سازند. مثال برای مورد دوم، تأثیر یادآوری در اثربخشی برنامه، مانند یادآوری مصرف قرص مالاریا در موعد مقرر است. مثال برای مورد سوم، در اقتصاد متعارف، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی کفایت می‌کند. اما اقتصاد رفتاری می‌گوید این کافی نیست و حتماً باید اطمینان حاصل کنید که افراد از خدمات استفاده می‌کنند.

از دیدگاه اقتصاد رفتاری برای اجرای سیاست‌های اقتصادی، چهار محدودیت ذهنی و روانی انسان‌ها باید در نظر گرفته شود: ۱- کمبود خودکنترلی ۲- کمبود توجه ۳- کمبود ظرفیت شناختی ۴- کمبود درک و فهم.

اولین محدودیت بشر، کمبود خودکنترلی است. مثال، استفاده از کود شیمیایی است. یکی از راه‌های بالا بردن محصولات، مصرف کود است. در زیر صحرای آفریقا بسیاری از کشاورزان یا از کود استفاده نمی‌کنند یا مقدار بسیار اندکی استفاده می‌کنند و به همین دلیل تولید محصولات کشاورزی در آفریقا بسیار پایین است. سؤال این است که چرا مصرف کود در زیر صحرای آفریقا بسیار پایین است؟ توضیح اقتصاد متعارف این است که به خاطر اینکه کود، گران است و کشاورزان نمی‌دانند مصرف کود، محصول آنان را افزایش می‌دهد. راه‌حل اقتصاد متعارف، عرضه کود، اعطای یارانه به کود و ترویج کشاورزی است. هر سه در آفریقا انجام شد، اما مصرف کود، چندان افزایش پیدا نکرد. اقتصاد توسعه رفتاری این مساله را بررسی کرد. حدود ۹۷٪ کشاورزان کنیا که توسط دوفلو در سال ۲۰۱۲ از آن‌ها سؤال شد، اظهار داشتند که می‌خواسته‌اند از کود استفاده کنند اما تنها ۳۷٪ آنها توانسته‌اند از کود استفاده کنند، زیرا پول برای خرید کود نداشته‌اند. از دیدگاه اقتصاد توسعه رفتاری، این کشاورزان، خودکنترلی نداشته‌اند و زمان میان برداشت محصول و خرید کود، پولشان را خرج می‌کرده‌اند و این نداشتن خودکنترلی، علت مسئله بوده است. بر اساس پیشنهاد دوفلو، کود را در محل (مزرعه) تحویل دادند. در نتیجه مصرف کود ۷۰٪ افزایش یافت و به این ترتیب مسئله خودکنترلی

که در کشاورزان ضعیف بود، برطرف شد. راه‌حل دیگر اقتصاد توسعه رفتاری این بود که یک حساب بانکی برای کشاورزان باز کردند و در حد خرید کود، کشاورزان نمی‌توانستند از حساب خود تا زمان لازم، برداشت کنند. در نتیجه این باعث شد هم مسئله عدم خودکنترلی، حل شود و هم مسئله نداشتن پول. پس از مصرف کود، درآمد کشاورزان افزایش پیدا کرد. هر کشاورزی تحویل در مزرعه را انتخاب می‌کرد، از ۱۰٪ تخفیف برخوردار می‌شد. (داتا، ۲۰۱۴، ص ۱۴) یکی از مشکلات اقتصاد متعارف این است که فرض می‌کند افراد خودکنترلی نامحدود دارند.

دومین محدودیت بشر: کم‌توجهی است. مثال، اقدامات مربوط به رعایت بهداشت در آمریکا: سالانه صدها هزار نفر به خاطر دیابت، دچار قطع عضو می‌شوند. دلیل آن، عدم مصرف به موقع داروی دیابت بود. بنابراین اقتصاد رفتاری کمبود توجه را عامل عدم مصرف داروی دیابت تشخیص داد و با استفاده از یادآوری، میزان قطع عضو را کاهش داد. ایدز، سل یا مالاریا این‌ها در صورتی قابل پیشگیری و درمان است که یادآوری شوند و قرص به موقع مصرف شود. راه‌حل اقتصاد رفتاری این است که با یادآوری، این مشکل‌ها، حل می‌شود. در آفریقای جنوبی نیز برای افراد پیام یادآوری مصرف قرص فرستادند که مؤثر بود. (داتا، ۲۰۱۴، ص ۱۸)

سومین محدودیت بشر، کمبود ظرفیت شناختی است. سؤال مهم برای تأمین اجتماعی در آمریکا این بود که با اینکه برنامه پس‌انداز برای بازنشستگی برای همه شاغلان مفید است چرا کارکنان در این برنامه‌ها مشارکت نمی‌کنند؟ اقتصاد رفتاری کشف کرد که به جای اینکه از کارکنان بخواهیم کسانی که می‌خواهند اعلام کنند، از آن‌ها بخواهیم کسانی که نمی‌خواهند اعلام کنند. در مدت کوتاهی، مشارکت ۴۰ درصد افزایش یافت و موجب افزایش میزان ثبت‌نام در برنامه بازنشستگی در آمریکا شد. از آن‌پس شرکت‌ها به‌طور پیش‌فرض افراد را عضو برنامه بازنشستگی می‌دانند، مگر افرادی که اعلام کنند که نمی‌خواهند. از دیدگاه اقتصاد رفتاری، برنامه‌های توسعه زمانی عملی می‌شود که طبق روانشناسی افراد طراحی شود. (داتا، ۲۰۱۴، ص ۱۱)

چهارمین محدودیت بشر، کمبود درک و فهم است. مثال، برنج‌کاران هندی از کود نیتروژن استفاده می‌کنند. زیرا معتقدند هر قدر برگ سبز بیشتر باشد، آن برنج بهتر است و در نتیجه کود نیتروژن بیشتری به زمین می‌دانند، این کود برای اسفناج خوب است ولی برای برنج سمی است. دلیل آن درک و فهم کشاورزان در استفاده از کود نیتروژنه

است. راه حل اقتصاد رفتاری در افزایش شناخت کشاورزان در استفاده از کود نیتروژنه است. (داتا، ۲۰۱۴، ص ۲۱)

در آسیب شناسی توسعه، هر سؤال از دیدگاه روانشناسی مطرح می شود تا یک مسئله اقتصادی را آسیب شناسی کند، در حالی که در اقتصاد متعارف، سؤال، اقتصادی است و برای حل یک مسئله اقتصادی است.

۴-۵. روش روایت های تحلیلی (۱۷)

روش روایت های تحلیلی از تکنیک روایت برای بررسی تفصیلی فرایندهای اقتصادی، نهادهای خاص و یا مسایل توسعه که در بستر زمان و مکان خاص رخ می دهد، استفاده می کند. روایات تحلیلی از استدلال برای ارائه یک مدل، یا پدیده پیچیده، و همچنین برای نظریه پردازی در مورد روابط میان عوامل، نهادها و ساختارها که اجزای تشکیل دهنده آن پدیده است، استفاده می شود. مراحل تهیه روایت تحلیلی در توسعه به شرح زیر است: "روایت تحلیلی با انتخاب یک مساله در توسعه، مدلی برای توضیح منطقی آن ایجاد می کند و با کمک آن، نقاط تصمیم کلیدی و امکانات حل آنرا روشن می کند و در نهایت به ارزیابی مدل به روش ایستای مقایسه ای و پیامدهای آزمون پذیر مدلی که ایجاد می شود، می پردازد". (لوی (۲۰۰۴)، ص ۲۰۸)

روایات به عنوان یک شکل از استدلال، مدت طولانی است که در تحقیقات علمی به کار گرفته شده است. روایات در علوم تاریخی به خصوص رایج است. هر چند استفاده از روایات تحلیلی به عنوان یک روش تحقیق در اقتصاد توسعه کاملاً جدید است. مطالعات موردی کشوری، ابزار تحلیلی برای نسل اول اقتصاددانان توسعه بوده است. اما آنها به دلیل فقدان داده های آماری قابل اتکاء از کشورهای در حال توسعه، از مطالعات موردی کشوری، استفاده کردند. مطالعات موردی در تعمیم مشاهدات از یک کشور به کل گروه اقتصادهای در حال توسعه استفاده می شد. روش "روایات تحلیلی" به چند دلیل، برای مطالعه کشورهای در حال توسعه مناسب است: اول اینکه روایت تحلیلی تبیینی از پدیده ها و فرآیندها درون شرایط نهادی خاص ارائه می کند که در آن رخ می دهد و تعامل میان شرایط خاص کشور و تاثیر محیط خارجی را برجسته می کند. به عنوان مثال، روایت های تحلیلی جمع آوری شده کشورها در رودریک (۲۰۰۳، صص ۲۱-۱۲۰)، سیاست های اقتصاد خرد و کلان، و ترتیبات نهادی را بررسی می کند که از آن ها و از عوامل سیاسی، تاریخی، فن آوری و جغرافیایی خاص کشور، به

وجود می‌آیند. به این ترتیب، این روایت‌ها، اقتصاددانان توسعه را قادر به پیدا کردن پاسخ به معماهای رشد و توسعه می‌سازد که توسط ادبیات تجربی رشد، توضیح داده نشده است.

دوم، اینکه روایت تحلیلی، اطلاعات مورد نیاز اقتصاددانان توسعه برای ارزیابی رابطه علت و معلولی برای شرایطی ارائه می‌کند که باید توالی زمانی، حوادث خاص و وابستگی به مسیر، در نظر گرفته شود. (ماهونی، ۱۹۹۹، ص ۱۱۶۴). در نتیجه به درک بهتر در مورد جهت روابط علت و معلولی در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند.

سوم، اینکه روایت‌های تحلیلی می‌تواند بصیرت‌های مهمی ارائه کند به ویژه هنگامی که ویژگی خاص بودن یک پدیده مانع جمع‌آوری داده‌های تجربی مورد نیاز برای تحلیل آماری می‌شود. در حالی که این پدیده خاص، امکان بررسی کمی ندارد. (لوی، ۲۰۰۴، ص ۲۱۰)

از دیدگاه روش‌شناختی، روایت‌های تحلیلی، اطلاعات تجربی اکتشافی ایجاد می‌کند که برای رسیدن به نتایج نظری از طریق استدلال استقرایی لازم است. البته یافته‌های روش روایت‌های تحلیلی، از قابلیت انتقال محدود به دیگر شرایط ساختاری متفاوت، برخوردار است.

۵-۵. روش تجربه کنترل‌شده (آزمایشگاهی) (۱۸)

روش اقتصاد آزمایشگاهی می‌تواند به منظور ارزیابی طیف گسترده‌ای از برنامه‌های توسعه استفاده شود که افراد یا جوامع محلی مانند پروژه تاسیسات بهداشتی، اصلاحات دولت محلی، آموزش و سلامت را هدف گرفته است. برخلاف روایت‌های تحلیلی، تجربیات آزمایشگاهی، روش اکتشافی یا تحقیقات مشاهده‌ای نیستند، بلکه ابزاری برای "ارزیابی تاثیر" (۱۹) است. روش تجربه کنترل‌شده نیازمند پروژه، و همچنین اجرا و همچنین فرضیه‌های مربوط در مورد روابط علت و معلولی است. رایج‌ترین روش تجربه کنترل‌شده برای ارزیابی نتایج توسعه، "تجربیات کنترل‌شده تصادفی" (۲۰) است که برای "ارزیابی تاثیر" استفاده می‌شود و تلاش می‌کند به این سوال خلاف واقع (۲۱) پاسخ دهد: در صورت فقدان این پروژه یا برنامه، وضع افرادی که در این پروژه یا برنامه شرکت کرده‌اند چگونه بود؟ یا در صورت اجرای این پروژه یا برنامه وضع افرادی که در پروژه یا برنامه قرار نداشتند، چگونه بود؟ ایده پشت آزمایش‌های

تصادفی، مقایسه یک فرد، یا گروهی از افراد که تحت تاثیر اقدامات توسعه ای با فرد یا گروه با ساختار مشابه که در همان شرایط زندگی می کنند، اما در معرض اثرات پروژه یا برنامه قرار ندارند. در زبان پژوهش آزمایشگاهی، گروه اول، گروه مورد بررسی است، در حالی که گروه دیگر به عنوان گروه کنترل یا گروه مقایسه، است. گروه مقایسه باید به طور کامل از اثرات پروژه یا برنامه جدا شود و نباید از گروه در هیچ جنبه ای غیر از اثر پروژه یا برنامه، تفاوت داشته باشد. زیرا هر تفاوت دیگری میان دو گروه ناشی از اثرات پروژه یا برنامه است و در نتیجه نتایج ارزیابی را مختل می کند. این تورش انتخاب می تواند از طریق ارزیابی تصادفی، اجتناب شود. این امر با انتخاب گروه مورد بررسی و گروه مقایسه به طور تصادفی از جمعیت بالقوه شرکت کنندگان (از قبیل افراد، جوامع، مدارس، و یا کلاس های درس) انجام می شود. آزمایش های تصادفی در صورتی کار می کند که استراتژی ارزیابی آنها (به عنوان مثال شناسایی گروه مورد بررسی و گروه کنترل)، در طراحی و اجرای برنامه مربوطه ادغام شده باشد. تجربه کنترل شده تصادفی روش پژوهش برای اقتصاددانان توسعه است. به دلیل اینکه آزمایش های تصادفی در تعیین روابط علی از روش های تحقیق تجربی، ابهام کمتری دارد، همچنین به دلیل این که روش های آزمایشگاهی به عنوان ابزاری برای ارزیابی دقیق برنامه هایی که کوچک هستند و اثرات آن می باشد محدود به یک زمینه خاص است، بهتر کار می کند. (آلتمن، ۲۰۱۱، صص ۱۷۷-۱۹۴ و بنرجی و دوفلو، ۲۰۰۸، صص ۳-۳۲)

۶. نقد ترجمه متن

در زمینه معادل سازی اصطلاحات تخصصی و واژه های انگلیسی، در اغلب موارد معادل سازی های مناسبی ارائه شده است. در عین حال مواردی وجود دارد که می تواند در چاپ بعدی توسط مترجم بازنگری شود. ترجمه یا اصلاح پیشنهادی داخل پرانتز است.

در صفحه ۴۸، "جمهوری آمریکای مرکزی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "جمهوری آفریقای مرکزی" است و در همان صفحه، "در نهاد" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "بر نهاد" است؛ در صفحات ۷۰ و ۵۱ و ۶۹۷، نام کشور، "مراکش" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "مغرب" است؛ در صفحات ۹۱ و ۵۶ و ۵۸۳، تغییرات آب و هوایی ذکر شده است، در حالیکه درست آن "تغییر اقلیم" است؛ در

صفحه ۶۵، "کشورهای غیر انگلیسیه" ذکر شده است. لازم است معادل انگلیسی آن در زیرنویس آورده شود؛ در صفحه ۶۷، "نمانگر" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "نماگر" است؛ در صفحه ۸۷، "شاخص اسپرسوی لیوان بلند" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "قهوه لاته لیوان بلند" است؛ در صفحه ۹۱، "رهیافت زیست شناسانه تکاملی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "رهیافت زیست شناسانه تطوری" است؛ در صفحه ۱۳۳ و ۱۳۴، "صد و یک پنجاهم" و "صد یک بیستم درآمد" ذکر شده است، در حالیکه مقصود از این عبارت روشن نیست؛ در صفحه ۱۳۵، "انقلاب قیمت" ذکر شده است، در حالیکه مقصود از این عبارت روشن نیست؛ در صفحات ۵۴ و ۶۱ و ۱۳۵ و ۱۰۱ و ۱۴۵ و ۸۳۶، عبارت ارز خارجی ذکر شده است، در حالیکه درست آن "ارز" است؛ در صفحه ۱۶۱، بازار سلف ارز ذکر شده است، در حالیکه درست آن "بازار پیمان آتی" است. باید توجه داشت که فرورارد با سلف تفاوت دارد؛ در صفحه ۱۹۵، "مواد لازم" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "مواد لازم" است؛ در صفحه ۲۱۱، "سازمان همکاری و توسعه اقتصادی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "سازمان همکاری اقتصادی و توسعه" است؛ در صفحه ۲۱۳، "۶- نرخ های مبادله" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "نرخ های ارز" است؛ در صفحه ۲۱۴، "حذق نظارت دولتی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "حذف نظارت دولتی" است؛ در صفحه ۲۲۲، "پژوهش مبتنی بر تجربه" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "پژوهش اقتصاد آزمایشگاهی" است؛ در صفحه ۲۳۳، زیرنویس ۱۱۴ نیاز به بازنگری اساسی و ارائه معنای صحیح موافق چرخه و مخالف چرخه کسب و کار دارد. در صفحه ۵۱۲، "احتمال خطر و عدم قطعیت" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "احتمال ریسک و ناطمینانی" است؛ در صفحه ۵۶۲، "نفرین منابع" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "کفران منابع" است؛ در صفحه ۷۲۲ و ۹۶۸، "انجمن بین المللی توسعه" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "موسسه بین المللی توسعه" است؛ در صفحه ۷۳۳، "صندوق های دارایی مستقل" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "صندوق های ثروت حاکمیتی" است؛ در صفحه ۷۷۸، "نهادهای چند وجهی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "نهادهای چند جانبه" است؛ در صفحه ۸۵۴، "موهبت عامل" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "موجودی عوامل تولید" است؛ در صفحه ۱۰۶۷، "قیمتهای دولتی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "قیمتهای مدیریت شده" است؛ در صفحه ۱۰۶۹، "حد اعتبار

احتیاطی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "خط اعتباری مشروط به وقوع" است؛ در صفحه ۱۰۷۳، "قیمت لذت بخش" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "قیمت هدانیک" است؛ در صفحه ۱۰۷۶، "تعیین افزایش قیمت" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "قیمت گذاری قیمت افزوده" است؛ در صفحه ۱۰۷۶، "ترتیب چند بافتی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "ترتیبات الیاف چندگانه در سازمان جهانی تجارت" است؛ در صفحه ۱۰۷۹ "حق الضرب" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "حق نشر پول" است؛ در صفحه ۱۰۸۰، "تعطیلات مالیاتی" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "معافیت های مالیاتی موقت" است؛ در صفحه ۱۰۸۱، "ابداع تجاری" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "ایجاد تجارت" است؛ در صفحه ۱۰۸۱، "ترتیبات رهاسازی قیمت" و "ترتیبات تکان دهنده قیمت" ذکر شده است، در حالیکه درست آن "ترتیبات هدفگیری قیمت" است.

۷. نتیجه گیری

کتاب توسعه اقتصادی نافزیگر متن درسی است که عمده سرفصلهای درس توسعه اقتصادی را پوشش می دهد. ویرایش فنی اثر، مناسب است. تاکید اصلی کتاب بر آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. از مزایای متن آنست که فصل ۱۲ را به نقش کارآفرینی و نوآوری و بخش پنجم کتاب را به استراتژی های توسعه اقتصادی اختصاص داده است. نتیجه مقایسه متن با متون مشابه آنست که توسعه اقتصادی نافزیگر نیازمند روزآمد شدن با توجه به مباحث جدید توسعه اقتصادی در زمینه حقایق سبک شده جدید رشد و توسعه، آسیب شناسی رشد، اقتصاد توسعه رفتاری، روش روایت های تحلیلی و روش تجربه کنترل شده (آزمایشگاهی) در رشد و توسعه اقتصادی است. شیوه کتاب در مورد وضعیت کشورهای در حال توسعه از طریق نوزده سوال و پاسخ به آن در نوزده فصل، روش ابتکاری کتاب برای تبیین مساله محور توسعه اقتصادی است که موفقیت آمیز بوده است.

پی نوشت

1. E.Wayne Nafziger (1976), "A critique of development economics in the U.S", Journal of development studies, 13, October, pp.18-34

- 2 . E.Wayne Nafziger et al. (1979),"Development Theory: four critical studies", London: Frank Cass
- 3 . E.Wayne Nafziger (1994),"Poverty and wealth: comparing Afro-Asian Development",Greenwich,conn:JAI press
- 4 .E.Wayne Nafziger (1995),"Learning from the Japanese:Japan prewar development and the third world", Armonk,NY:M.E sharpe
- 5 . E.Wayne Nafziger (2005),"Meiji Japan as a model for Africa's economic development",African and Asian studies4 (3-4),pp.443-464.
- 6 . E.Wayne Nafziger (2007),"from seers to sen: The meaning of economic development",UN university-WIDER.
- 7 . E.Wayne Nafziger (2008),"Entrepreneurship and Development", International Handbook of Development studies, Edward Elgar Publishing.
۸. ای واین نافزیگر،(۱۳۸۹)،" توسعه اقتصادی"، ترجمه محمد رضا منجدب، تهران: نشر آسیم
۹. سیدحسین میرجلیلی،(۱۳۹۵)،" الزامات دستیابی به رشد هشت درصد، مروری بر تجربه سیزده کشور"، گزارش پژوهشی شماره ۱۴۸۵۸، مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی، خرداد، صص ۱-۱۷ .
10. Growth Diagnostics
- 11 . Binding constraints
- 12 . Hausmann, Ricardo, Bailey Klinger and Rodrigo Wagner ,(2008),"Doing growth diagnostics in practice: a mindbook", Center for International Development at Harvard University, working paper No.177
- 13 . Dani Rodrik,(2010),"Diagnostics before prescription", Journal of Economic Perspectives, Vol.24,No.3,pp.33-44
- ۱۴ . سیدحسین میرجلیلی،(۱۳۹۵)،" چگونگی شناسایی تنگناهای رشد اقتصادی"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش پژوهشی شماره ۱۴۷۹۵، ص ۱۰
- 15 . Best-practice approach
۱۶. کتاب "اقتصاد فقیر" نوشته بنرجی و دوفلو، ترجمه جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، از انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶، کاربرد اقتصاد توسعه رفتاری در بررسی فقر است.
17. Analytic Narratives
- 18.Experimental Methods
- 19.Impact Evaluation

20. Randomized experiments

21. counterfactual

کتابنامه

دوفلو، استر و آبهجیت بنرجی، (۱۳۹۶)، "اقتصاد فقیر"، ترجمه جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، انتشارات دنیای اقتصاد

میرجلیلی، سیدحسین، (۱۳۹۴)، "اسباب شناسی رشد"، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، گزارش پژوهشی شماره ۱۴۷۹۵، اردیبهشت

میرجلیلی، سیدحسین، (۱۳۹۴)، "الزامات دستیابی به رشد هشت درصد، مروری بر تجربه سیزده کشور"، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، گزارش پژوهشی شماره ۱۴۸۵۸، خرداد

نافزیگر، ای واین (۱۳۸۹)، "توسعه اقتصادی"، ترجمه محمد رضا منجذب، تهران: نشر آسیم.

نافزیگر، ای واین (۱۳۹۵)، "توسعه اقتصادی"، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد و امیر آزاد، جلد ۱ و ۲، تهران: نشر نی.

Abhijit V. Banerjee, Esther Duflo, (2008), "The Experimental Approach to Development Economics", NBER Working Paper No. 14467

Altmann. M.P., (2011) "Contextual Development Economics", Springer Science

Datta, Saugato and Sendhil Mullainathan, (2014), "Behavioral Design: a new approach to development policy", The review of Income and wealth", Vol.60, No.1, March, pp.7-33

Hausmann, Ricardo, Bailey Klinger and Rodrigo Wagner, (2008), "Doing growth diagnostics in practice: a mindbook", Center for International Development at Harvard University, working paper No.177

Levi, (2004), "Levi, Margaret. 2004. "An Analytic Narrative Approach to Puzzles and Problems" In Problems and Methods in the Study of Politics, ed. I. Shapiro, R. Smith and T. Masoud. New York: Cambridge University Press. "

Mahoney, James, (1999), "Nominal, Ordinal, and Narrative Appraisal in Macrocausal Analysis", American Journal of Sociology 104(4):1154-96

Nafziger, E. Wayne et al. (1979), "Development Theory: four critical studies", London: Frank Cass

- Nafziger, E.Wayne, (1976),"A critique of development economics in the U.S",
Journal of development studies,13,October,pp.18-34
- Nafziger, E.Wayne, (1994),"Poverty and wealth: comparing Afro-Asian
Development",Greenwich,conn:JAI press
- Nafziger, E.Wayne, (1995),"Learning from the Japanese:Japan prewar development
and the third world", Armonk,NY:M.E sharpe
- Nafziger, E.Wayne, (2005),"Meiji Japan as a model for Africa's economic
development",African and Asian studies4 (3-4),pp.443-464
- Nafziger, E.Wayne, (2007),"from seers to sen: The meaning of economic
development",UN university-WIDER
- Nafziger, E.Wayne, (2008),"Entrepreneurship and Development", International
Handbook of Development studies, Edward Elgar Publishing
- Nafziger, E.Wayne,(2012)," Economic Development", 5th edition, Cambridge
University Press
- Rodrik, Dani, (2003)," In Search of Prosperity: Analytic Narratives on Economic
Growth", Princeton University Press
- Rodrik, Dani, (2010),"Diagnostics before prescription", Journal of Economic
Perspectives,Vol.24,No.3,pp.33-44